

## نقش عناصر کالبدی در تعاملات اجتماعی فضاهای شهری (مورد کاوی: بوستان رضوان شهر قروه)

میترا عظیمی<sup>۱\*</sup>، سینا کریمی<sup>۲</sup>

۱- استادیار، گروه برنامه‌ریزی اجتماعی، شهری و منطقه‌ای، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

۲- کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

Email: mitra.azimi@atu.ac.ir

### چکیده

فضای شهری شامل ابعاد گوناگونی است که بعد فیزیکی و کالبدی از جمله ابعاد مهم آن بشمار می‌رود. مطالعات نشان می‌دهد، کمیت و کیفیت عناصر کالبدی شهر، نقش تعیین‌کننده‌ای در میزان تعاملات اجتماعی شهروندان داشته و با برنامه‌ریزی مناسب برای فضاهای کالبدی می‌توان در ایجاد حال خوب و سلامت روان جامعه تأثیرگذار بود. بر این اساس، هدف تحقیق حاضر، بررسی نقش عناصر کالبدی در تعاملات اجتماعی در فضاهای عمومی شهری، در محدوده بوستان رضوان شهر قروه واقع در استان کردستان است که در نبود امکانات تفریحی مناسب به مهم‌ترین قرارگاه رفتاری شهروندان بدل شده است. این تحقیق از نوع توصیفی تحلیلی بوده و با استفاده از روش کیفی انجام شده است. به این ترتیب که، محدوده مورد نظر به شش زیرمحدوده تقسیم شده و به کمک تکنیک‌های مرور سیستماتیک منابع، استفاده از نقشه و تصویربرداری، عناصر کالبدی محدوده برداشت و به صورت نقشه‌های مجزا تولید شدند. سپس با استفاده از تکنیک‌های مشاهده طبیعی غیرعلنی و همچنین انجام مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با ۳۵ نفر، نقش عناصر کالبدی در تعاملات اجتماعی مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، در محدوده بوستان اصلی شهر قروه به ترتیب مبلمان شهری، درختان، پوشش گیاهی و چمن، ساختمان‌ها، جداول سیمانی جویها، حاشیه پیاده‌روها و فضاهای سبز بیشترین نقش را در برقراری تعاملات اجتماعی دارند. بنابراین توجه به این عناصر از طریق برنامه‌ریزی و طراحی کالبدی مناسب می‌تواند میل به بی‌اعتنایی و گذار سریع مردم در فضاهای عمومی شهری را کاهش دهد. در انتها نیز پیشنهاد اجرای برخی اقدامات کالبدی به تفکیک شش محدوده مورد نظر ارائه شده است.

واژگان کلیدی: عناصر کالبدی، تعاملات اجتماعی، فضاهای عمومی شهری، بوستان رضوان، شهر قروه

## The role of physical elements in social interactions in urban public spaces (Case Study: Rezvan Park in the city of Qorveh)

Mitra Azimi<sup>1\*</sup> Sina Karimi<sup>2</sup>

1- Corresponding author, Assistant Professor, Department of Social, urban and regional planning, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

2- Master of urban planning, Department of Social, Urban and regional planning, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Email: mitra.azimi@atu.ac.ir

Received: June 2024 Accepted: December 2024

DOI: <http://doi.org/10.22034/jprd.2024.62055.1100>

### Abstract:

Urban space encompasses various dimensions, with the physical dimension being a significant one. Studies indicate that the quantity and quality of a city's physical elements play a decisive role in the extent of social interactions among citizens. Appropriate planning for physical spaces can positively impact the well-being and mental health of a community. Accordingly, the present study aims to investigate the role of physical elements in social interactions within urban public spaces, specifically in the vicinity of Rezvan Park in Qorveh City, Kurdistan Province. This park has become the most important behavioral setting for citizens due to the lack of suitable recreational facilities. This research is of a descriptive-analytical type and employs a qualitative methodology. The area under study was divided into six sub-areas, and using systematic resource review techniques, map utilization, and photography, the physical elements of the area were extracted and produced as separate maps. Subsequently, the role of physical elements in social interactions was examined using covert natural observation techniques and semi-structured interviews with 35 individuals. The research results indicate that, within the main park area of Qorveh City, urban furniture, trees, vegetation and grass cover, buildings, concrete gutters, sidewalk edges, and green spaces, respectively, play the most significant roles in facilitating social interactions. Therefore, attention to these elements through appropriate planning and physical design can reduce the tendency towards indifference and rapid transit of people in urban public spaces. Finally, a proposal for the implementation of certain physical measures is presented, categorized by the six designated areas.

**Keywords:** Physical elements, social interactions, urban public spaces, Qorveh city

## مقدمه

تعامل و کنش متقابل اجتماعی یکی از نیازهای انسان می‌باشد که با حضور در فضاهای جمعی به وقوع می‌پیوندد. فضاهای عمومی شهری باکیفیت به عنوان قرارگاه‌های اصلی رفتاری، فضای ارتباطات و تعامل را فراهم می‌کنند. در شهرهای امروزی مسائل مختلفی سبک زندگی انسان‌ها را دچار تغییر نموده و یکی از این تغییرات میل به بی‌اعتنایی و گذار سریع مردم در فضاهای شهری است. گرچه امروزه مردم به صورت ناخودآگاه چنین بی‌اعتنایی را از یکدیگر انتظار دارند اما اغلب درک دقیقی نسبت به امکان ایجاد تعامل و اهمیت آن وجود ندارد. در این بین خلأ برنامه‌ریزی و طراحی کالبدی مناسب در ایجاد فضای شهری مطلوب برای کنش متقابل انسانی در کشورهای مختلف جهان به چشم می‌خورد. فضاهای عمومی شهری بستر مساعدی جهت فعالیت‌های روزمره، تعاملات اجتماعی و ارتباطات مردم، مراسم‌ها و رویدادهای گوناگون هستند و کیفیت آن‌ها به‌عنوان محرکی در حضورپذیری بیشتر مردم است. همان‌طور که جان لنگ<sup>۱</sup> بیان می‌کند فضاها می‌توانند سبب تسهیل یا بازدارنده‌ی رفتارهای مردم و تعاملات اجتماعی بین آنان گردند. یک ملاقات ساده در یک مکان مشابه می‌تواند زمینه‌ای برای ایجاد روابط اجتماعی وسیع‌تر فراهم کند. بنابراین، برنامه‌ریزی کالبدی می‌تواند نقش تعیین‌کننده جهت ارتقای کیفیت زندگی شهروندان داشته باشد. به بیان یان گل<sup>۲</sup> چارچوب فیزیکی تأثیر مستقیمی بر محتوا، کیفیت و شدت ارتباطات اجتماعی ندارد اما با برنامه‌ریزی می‌توان امکان ملاقات، دیدن و شنیدن را ایجاد کرد که خود نقطه آغازینی است برای اشکال دیگر ارتباطات اشکالی که می‌تواند در قالب یک تعامل اجتماعی نمایان شود و ثمره‌ی آن در سلامت روان ساکنین شهر به چشم آید. در شهر قروه استان کردستان بیش از ۷۵ هزار نفر سکونت دارند و در مقایسه با این تعداد جمعیت امکانات تفریحی موجود نتوانسته پاسخگوی نیاز جمعیتی شهر باشد. در این میان، محدوده‌ی بوستان رضوان به عنوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین فضای عمومی شهری در جهت رفع بسیاری از نیازهای شهروندان قلمداد می‌شود. این محدوده که به مانند یک قرارگاه رفتاری عمل می‌کند به علت قرارگیری در اطراف بیمارستان شهر به دور بیمارستان مشهور است و از سال ۱۳۳۵ شمسی که قروه به شهر تبدیل شده است، مهم‌ترین قرارگاه رفتاری برای فعالیت‌های اجتماعی و به تبع آن تعاملات اجتماعی در محدوده شهر نیز بوده است. عناصر کالبدی این محدوده به‌عنوان عاملی مهم در تعاملات اجتماعی به شکل ویژه‌ای قابل بررسی است. به عبارتی، برخی عناصر کالبدی این محدوده به نسبت برخی دیگر از عناصر کالبدی دارای تأثیر بیشتری بر شکل‌گیری تعاملات اجتماعی هستند. این مهم پژوهشگران را واداشته است، نقش عناصر کالبدی را در سطح تعاملات اجتماعی بسنجند و دریابند که با برنامه‌ریزی در کدام دسته از این عناصر می‌توان بر افزایش تعاملات اجتماعی تأثیر بیشتری گذارد و با ارائه پیشنهادها مناسب گامی برای افزایش سلامت روان جامعه برداشت. این تحقیق با مرور رویکردهای نظری مختلف و با رویکردهای غالب "احتمال‌گرایی محیطی"<sup>۳</sup>، "رویکرد اکولوژیک راجر بارکر"<sup>۴</sup>، "رویکرد دیوید کانتر"<sup>۴</sup> در خصوص مکان<sup>۵</sup> و "قابلیت‌های محیطی گیبسون"<sup>۵</sup> نقش عناصر کالبدی در تعاملات اجتماعی در فضاهای عمومی شهری را مورد کنکاش قرار داده است. از این رو، قصد بر آن بوده تا ضمن شناسایی عناصر کالبدی اثرگذار بر تعاملات اجتماعی در محدوده بوستان رضوان نقش این عوامل بر سطح تعاملات اجتماعی شهروندان مورد سنجش قرار گیرد.

## مبانی نظری

تحقیقات زیادی از گذشته تا امروز صورت گرفته است و در همه‌ی آن‌ها فضاهای عمومی شهری را مکانی مهم برای تعاملات و ارتباطات اجتماعی و زندگی جمعی می‌دانند. این فضاها از زمان‌های دور تا امروز بستر مناسبی برای کنش‌گری‌های اجتماعی

1 Jon Lang

2 Jan Gehl

3 Roger Barker

4 David Canter

5 James Gibson

بوده است. فضاهای عمومی دارای رسالتی برای افزایش سرمایه اجتماعی در جوامع، در بستر تعاملات و مراودات اجتماعی هستند که می‌توانند بستری برای توسعه و شکل‌گیری هویت فردی و اجتماعی باشند (میچل<sup>۱</sup>، ۱۹۹۶). همچنین فضاهای شهری را می‌توان فضاهایی با ساختمان‌های گوناگون اداری، فرهنگی، تجاری و همچنین فعالیت‌ها دانست که دارای نظم و زیبایی و ویژگی‌های منحصر به فرد بصری هستند. این فضاها از نظر کالبدی بدنه‌ای دارای حصار دارند (رفیعیان و خدایی، ۱۳۸۸).

تعاملات اجتماعی به معنای ایجاد ارتباط میان افراد گوناگون در گروه‌های مختلف اجتماعی و سنی در زمان‌های مختلف و با اهداف متنوع، تعبیر می‌شود. یعنی افراد به سخن گفتن و گفتگو با هم بپردازند در حالی که حتی یکدیگر را نشناسند (نوادا، ۱۳۹۳). تعاملات اجتماعی شامل رفتارها و اعمال دو فرد یا بیشتر است که نسبت به دیگری انجام می‌دهند یا پاسخ‌هایی است که آن‌ها برای دیگران فراهم می‌کنند (ستلزل و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲). جیکوبز<sup>۳</sup> به مفهوم سرزندگی در فضاهای شهری و همچنین جذابیت در این فضاها اشاره کرده و به حقیقت پیوستن آن را در گروهی خصوصیات ویژه‌ای همچون داشتن نقاط دعوتگر و مکث برای کاربران، سریع‌الانتقال نبودن، داشتن حدود و ثغور و همچنین نقاط تمرکز و اوج در شهر می‌داند (جیکوبز، ۱۹۶۵). از دیدگاه تراس<sup>۴</sup>، مکانی که مردم وقت خود را در آن سپری و به تعامل با سایر افراد بپردازند، مکانی است که زندگی اجتماعی در آن وجود دارد (تراس، ۲۰۰۵). لاوسن<sup>۵</sup> نیز بر این باور است، فضاهایی که پتانسیل ایجاد جمع‌های چند نفره برای گفتگو و باهم بودن را دارند، فضاهایی هستند که برای دیدار و ملاقات شناخته شده و سبب می‌گردند سرزندگی در شهر ایجاد شده و غنای شهری افزایش یابد (لاوسن، ۲۰۰۱). نکته‌ی مهم در شناخت فضای شهری در عرصه عمومی، امکان حضور در آن، عمومی بودنش و داشتن تعامل اجتماعی است. می‌توان گفت آن بستری که برای تعاملات اجتماعی در شهر وجود دارد، فضای عمومی است (ترابی و سیماء<sup>۶</sup>، ۲۰۱۳). بطور کلی، تعاملات متقابل رودرو شالوده اصلی همه شکل‌های کنش متقابل اجتماعی است. کنش متقابل روزمره به روابط و مناسبات ظریف میان آنچه در قالب کلمات بیان می‌کنیم و آنچه از طریق صور پرشمار ارتباط غیر کلامی به دیگران انتقال می‌دهیم، بستگی دارد؛ بنابراین به‌طور کلی انواع مختلف کنش‌های متقابل اجتماعی را می‌توان به دو دسته ارتباطات کلامی و ارتباطات غیر کلامی (زبان بدن) تقسیم نمود (گیدنز، ۱۳۹۴). اساسی‌ترین مولفه‌های تعاملات اجتماعی می‌توان به برگزیدن مکان برای دیدار با دوستان، حضور افراد به شکل گروهی، بهره‌برداری منظم از فضا، میزان ارتباطات کلامی افراد با یکدیگر، روحیه مردم در فضا، آشنایی و شناختن یکدیگر، معرفی و توصیه مکان به دیگران، میزان ارتباطات و تماس چشمی، وجود دسته‌های مختلف سنی و قومی و علاقه مردم در نگهداری داوطلبانه از مکان معرفی کرد (شجاعی و پرتوی، ۱۳۹۳).

یان گل<sup>۷</sup> (۲۰۰۳) می‌گوید فضاهای عمومی جنبه‌های انسانی دارند که سبب می‌گردد مردم با علاقه و خواست زیادی به آن‌جا بروند و با یکدیگر مشارکت داشته باشند. هاجر و همکاران<sup>۸</sup> (۲۰۰۱) معتقد است، فضاهای عمومی فضاهایی هستند که افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی در آن سهم دارند. می‌توان گفت در فضاهای عمومی شهری که مکانی برای به اشتراک گذاشتن افکار و اطلاعات است، شبکه‌های اجتماعی نیز به وجود می‌آیند. چنین فضاهای افزون بر آنکه تنها یک فضا باشند یک تجربه هستند (هاجر، ۲۰۰۱). لنارد<sup>۹</sup> (۱۹۹۳) اعتقاد دارد عواملی که سبب حضور و ایجاد تعامل اجتماعی بین شهروندان می‌شوند و به بالا رفتن حس تعلق به شهر کمک می‌کنند دو عامل پیش‌بینی و ایجاد رویدادهای اجتماعی و کالبد هستند. دانشپور به مطالعه فضاها پرداخته است و عامل مؤثر بر آن را استفاده از

1 Mitchell

2 Centelles et al

3 Jacobs

4 Truss

5 Lowson

6 Toraby & Sima

7 Jan Gehl

8 Hajer

9 Lennard

پتانسیل اجتماعی آن و بهبود فرصت‌های همکاری را در ایجاد یک فضا می‌داند. کاپلان<sup>۱</sup> (۱۹۹۸) می‌گوید عناصر طبیعی که سبب بالارفتن سرزندگی و هیجان می‌شوند و امکان استراحت، سلامت بیشتر و تجارب خوب برای شهروندان را فراهم می‌کنند، کیفیت کالبدی یک فضای عمومی را افزایش می‌دهند. به نظر وایت<sup>۲</sup> (۲۰۱۲) پله‌ها، یادمان‌ها، آب‌نماها و... عواملی هستند که سبب می‌گردند مردم در فضاهای عمومی حضور یابند و به تعامل اجتماعی بپردازند که بر افزایش بهبود جنبه‌های کالبدی مؤثرند. بطور نمونه، فضاهای سبز شهری دربرگیرنده بخشی از سیمای شهر است که از انواع پوشش‌های گیاهی تشکیل شده است و به عنوان یک عامل زنده و حیاتی در کنار کالبد شهر تعیین‌کننده ساخت مورفولوژیک شهر است (رحیمی و زالی، ۱۴۰۲). از دیدگاه کاپچینسکی و هندرسون<sup>۳</sup> نیز یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های کیفیت در شهر فضای سبز است. این فضاها هم به صورت مستقل (به عنوان یک فضای عمومی) و هم به صورت وابسته در کنار دیگر فضاهای عمومی تأثیر زیادی بر حضورپذیری، دیدار و تعامل افراد با یکدیگر دارند (کاپچینسکی و هندرسون، ۲۰۰۷). زیرا در فضاهای عمومی فرصت آن وجود دارد که برخی مرزهای اجتماعی شکسته شده و برخوردهای از پیش تدوین‌نیافته به وقوع پیوسته و افراد در یک محیط اجتماعی جدید با هم اختلاط پیدا کنند (لینچ<sup>۴</sup>، ۱۹۷۲).

از مهم‌ترین نظریه‌پردازان علوم رفتاری آموس راپاپورت<sup>۵</sup> (۱۹۸۶) می‌باشد که از علاقمندی‌های او مسائل شهری بوده و در بسیاری از آثارش به آن پرداخته است. او در خصوص محیط و کنش متقابل انسان، موقعیت انفعالی فرد در فضای شهری را نفی کرده است. راپاپورت می‌گوید اصلی‌ترین دلیل شناخت محیط و طرح ذهنی، حرکت انسان در محیط است. از سوی دیگر جان لنگ<sup>۶</sup> (۱۹۹۴) در طراحی محیط نقش علوم رفتاری را بررسی کرده است. او اثری دارد به نام آفرینش نظریه معماری که در آن چگونگی دریافت انسان از فضا و عوامل فیزیکی و محیطی اثرگذار بر آن را بررسی کرده است. جان لنگ تصورات انسان‌ها از محیط را در اصل نوعی طرح‌واره ذهنی بیان می‌کند که فعالیت‌های او و رفتارشان را در عرصه عمومی شهر طراحی می‌کند و به آن شکل می‌بخشد (کاشانی جو به نقل از علی میرزائی، ۱۳۹۷). بر اساس نظر کارمونا<sup>۷</sup> (۲۰۲۱)، فضاهای عمومی شهری به عنوان محیطی اجتماعی، عرصه‌ای برای رفتار، فعالیت و زمینه‌ای مشترک و خنثی برای اختلاط و مراودات اجتماعی است. فضاهای عمومی شهری مرحله‌ای برای معرفت اجتماعی، تبادل اطلاعات و پیشرفت شخصی هستند (محمدی و همکاران، ۱۳۹۱). آن چیزی که به عنوان انگیزه‌ای سبب می‌گردد یک فرد به فضای عمومی و محیط اطرافش وارد شود و با همگان ارتباط و تعامل انسانی برقرار نماید، خواست و میل او برای پیوند و ارتباط با انسان‌ها است. فضای عمومی نیز زمانی به فضای شهری تبدیل می‌شود که این ارتباطات و تعاملات صورت بگیرد. بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته، فضاهایی موفق هستند که در آن‌ها کنش‌گری‌های اجتماعی پویا، ارتباطات و باهم‌بودن‌ها، اشتراک تجارب، پتانسیل ابراز وجود افراد و گروه‌های مختلف در آن وجود داشته باشد. در چنین فضاهایی حس تعلق افراد به مکان و حس همبستگی آن‌ها با یکدیگر افزایش می‌یابد و به رضایت بیشتری منجر می‌گردد (لطیفی و همکاران، ۱۳۹۴).

امروزه مسائل شهر و شهروندی به مهمترین مسائل موثر بر ابعاد کیفی و کمی زندگی انسان بدل شده و در دوران معاصر اهمیت این مقوله توسط طیف وسیع‌تری از مردم و متخصصان ادراک شده است (پورمحمدی و همکاران، ۱۴۰۱). از این رو، دیدگاه‌های نظری جدیدی در این خصوص مطرح گردیده است. در رابطه‌با نحوه تعامل و ارتباط بین محیط کالبدی و رفتار رویکردهای مختلف جبری‌گرایی محیطی<sup>۸</sup>، اختیارگرایی محیطی<sup>۹</sup>، امکان‌گرایی محیطی<sup>۱۰</sup> و احتمال‌گرایی محیطی<sup>۱۱</sup>، رویکرد نظری اکولوژیک راجر بارکر<sup>۱۲</sup>، رویکرد نظری

1 Kaplan

2 whyte

3 Kaczynski &amp; Henderson

4 Lynch

5 Amos Rapoport

6 Jon Lang

7 Carmona

8 Enviromental Determinism

9 Enviromental Free-will

کانتر<sup>۱</sup> در خصوص مکان، رویکرد نظری قابلیت‌های محیطی<sup>۲</sup> گیبسون<sup>۳</sup> وجود دارد. چرا که اهمیت توجه به کالبد شهر بحدی است که به عنوان یک ضرورت اساسی در برنامه توسعه شهری قلمداد می‌شود (رمضانپور کاریزکی و همکاران، ۱۴۰۱). با درک این ضرورت و اهمیت، در ادامه به تشریح هر یک از رویکردهای نظری یاد شده پرداخته می‌شود.

رویکرد جبرگرایی محیطی رابطه محیط و رفتار را رابطه‌ای علی می‌داند (لنگ، ۲۰۰۳). جبریت محیط بر این باور است که در محیط‌های جغرافیایی، اجتماعی و فرهنگی، تربیت بیش از سرشت به ارزش‌ها و رفتارهای انسان شکل می‌دهد، بهترین تعبیر از اعتقاد به جبریت کالبدی تبیین این مطلب است که رفتار انسان را ماهیت محیط جغرافیایی مورداستفاده او تعیین می‌کند. براین اساس جبریت کالبدی در مورد اثر محیط طبیعی و ساخته شده بر رفتار انسان موضع بسیار قوی‌ای دارد. رویکرد اختیارگرایی محیطی معتقد است که محیط هیچ تأثیری بر رفتار انسان ندارد. با توجه به اینکه برای رفتار انسان محدودیت‌های جدی مانند برخی ویژگی‌های زیست‌شناختی وجود دارد، رویکرد اختیاری به اعتقاد جامعه‌شناسان و روان‌شناسان غیر قابل دفاع است. امکان‌گرایان محیط را تأمین‌کننده رفتار انسان و کمی بیشتر از آن می‌دانند. این رویکرد، محیط را شامل مجموعه‌ای از فرصت‌های رفتاری می‌داند که بر طبق آن ممکن است عملی رخ داده یا ن داده باشد. تحلیل برخی تحلیل‌گران بر رفتار انسان نشان می‌دهد که مردم به اندازه‌ای که امکان‌گرایان فرض می‌کنند در رفتار خود آزادی عمل ندارند. هر فردی مجموعه‌ای از انگیزه‌ها و شایستگی‌ها را در خود دارد که حداقل بخشی از آن توسط محیط‌های جغرافیایی، اجتماعی و فرهنگی تعیین می‌شود. احتمال‌گرایی محیط نیز به عدم قطعیت نظام وقوع رفتارهای انسان و محیط عمل برنامه‌ریزان و طراحان معتقد است. موضع احتمال‌گرایانه مبنای بیشتر تحقیقات اخیر رابطه رفتار و محیط بوده است. صاحب‌نظران این نحله معتقدند خصوصیات کالبدی محیط از یک سو و الگوها، محرکات فرهنگی و توانایی‌های ذهنی از سوی دیگر، در شناخت کیفیت‌های محیطی اثرگذارند (نقره‌کار و همکاران، ۱۳۸۹). همچنین، «رویکرد نظری اکولوژیک» یا «بوم‌شناسی» راجر بارکر فرایندهای رفتاری که به شکل جمعی صورت گرفته و در قرارگاه‌های رفتاری خاص بروز می‌کند را مورد بررسی قرار می‌دهد. در روان‌شناسی بوم‌شناسی به اهمیت موقعیت فیزیکی در ایجاد رفتار فرد تأکید شده و به تأثیر محیط کالبدی و فیزیکی بر افرادی که از آن استفاده می‌کنند، می‌پردازد. روان‌شناسی بوم‌شناختی و اکولوژیک در رویکردهای قدیمی و سنتی پژوهش‌های روان‌شناسی دگرگونی‌های مهمی ایجاد کرد. این رویکرد به‌جای آنکه بر روی رفتار فرد تحقیق آزمایشگاهی انجام دهد به رفتار فردی در مکان و محیط زندگی روزمره اهتمام می‌ورزد. طبق دیدگاه بارکر به‌دست‌آوردن آگاهی علمی در خصوص شاخص‌های میانگین پدیده‌های روان‌شناختی و گوناگونی آن‌ها در جمعیت، بایستی رفتار در چارچوب محیط طبیعی خود واکاوی شود؛ زیرا به‌وسیله تحقیقات آزمایشگاهی نمی‌شود فهمید که به چه اندازه عشق، تعارض، فشار، تنبیه، تشویق یا بازی در دنیا وجود دارد. طبق نظر او محیط، عامل اصلی ایجاد قرارگاه‌های رفتاری است و در مشخص کردن و تعیین رفتار بسیار قابل‌اهمیت‌تر از فرد است. قرارگاه رفتاری در تعیین بستر طیفی از رفتارها که امکان دارد روی بدهند اهمیت بسزایی دارد. از نظر راجر بارکر در هر قرارگاه رفتاری محرک‌هایی وجود دارند که قابل‌شناسایی بوده و شامل عوامل کالبدی و اجتماعی هستند؛ بنابراین می‌توان با دگرگونی اشیایی که در یک قرارگاه رفتاری وجود دارند سبب دگرگونی رفتار در آن شد (امام‌قلی و همکاران، ۱۳۹۱). مطابق با رویکرد نظری دیوید کانتر<sup>۴</sup> در خصوص مکان (۱۹۸۶)، مکان تلفیقی از مفاهیم ارزشی، فعالیت‌ها و محیط کالبدی است که به‌واسطه فصل مشترک از انطباق این سه حوزه ناشی می‌شود. طبق این موضوع می‌توان چنین گفت که رویکردهایی که به مکان وجود دارد با تأکید و اهتمام به بعضی یا ترکیبی از این مؤلفه‌ها شکل می‌گیرد. کانتر می‌گوید نباید مکان را جدای از انسان و

10 Enviromental Possibilism

11 Enviromental Probabilism

12 Rogger Barker

1 Canter

2 Affordance environmental

3 Gibson

4 David Canter

مستقل در نظر گرفت. افراد همیشه اعمال و رفتارهای خود را با هر مکان ویژه و خاصی تطبیق می‌دهند و ماهیت آن مکان عامل اساسی در فهم عمل و تجربه آن‌ها می‌شود. طبق مدلی که دیوید کانتر ارائه کرده است، مکان قسمتی از فضای طبیعی یا ساخته شده به دست انسان است که دارای محدوده مشخصی از نظر مفهومی یا مادی می‌باشد و حاصل تعامل مفاهیم قابل دریافت توسط انسان، عوامل رفتاری و ویژگی‌های کالبدی محیط است. جیمز گیسون<sup>۱</sup> (۱۹۷۹)، واژه «قابلیتهای محیطی» را مطرح ساخت. طبق عقیده او ترکیب کردن سطوح و مواد مختلف تشکیل دهنده دنیا، سبب نمایان شدن کشف برخی قابلیت‌های محیطی می‌شود. مردم محیط‌های مصنوع و طبیعی را برای تغییر دادن قابلیت‌ها دگرگون می‌کنند. در حقیقت محیط فیزیکی و کالبدی را دسته‌ای از سطوح تشکیل می‌دهند که انسان‌ها با دگرگون کردن این سطوح محیط کالبدی و ساختمان‌ها را می‌سازند که نتیجه آن بدین صورت است که معنای اولیه سطوح و یا محیط دست‌ساز دچار تغییر می‌شود. برای مثال می‌توان سطحی افقی استوار را در نظر گرفت که حرکت به صورت مستقیم را تسهیل می‌کند و در برابر آن سطحی عمودی محکم اجازه این حرکت را نمی‌دهد (دانشگر مقدم و اسلامپور، ۱۳۹۰). در ادامه در جدول (۱) خلاصه رویکردهای نظری مورد اشاره مطرح شده است.

جدول (۱). خلاصه رویکردهای نظری

مولفه‌های اصلی	رویکردهای نظری
ایجاد دگرگونی در منظر و عنصرهای معماری محیط، به دگرگونی در رفتار علی‌الخصوص در رفتار اجتماعی منجر می‌گردد.	جبرگرایی محیطی
به طور معمول محیط بروز رفتار را سبب نمی‌گردد.	اختیارگرایی محیطی
محیط زمینه‌ای برای وقوع پیوستن رفتار است و انسان طبق معیارهای فرهنگی دست به انتخاب زده و رفتار می‌کند.	امکان‌گرایی محیطی
اثرگذاری محیط مصنوع و کالبدی بر رفتار، یک اثر احتمالی است و طبق خصوصیات یک محیط احتمال وقوع رفتاری مشخص در بعضی از محیط‌ها نسبت به بعضی دیگر کمتر یا بیشتر است.	احتمال‌گرایی محیطی
به اهمیت موقعیت فیزیکی در ایجاد رفتار فرد تأکید شده و به تأثیر محیط کالبدی و فیزیکی بر افرادی که از آن استفاده می‌کنند، می‌پردازد. این رویکرد به جای آن که بر روی رفتار فرد تحقیق آزمایشگاهی انجام دهد به رفتار فرافردی در مکان و محیط زندگی روزمره اهتمام می‌ورزد.	رویکرد نظری اکولوژیک
مکان تلفیقی از مفاهیم ارزشی، فعالیت‌ها و محیط کالبدی است که به واسطه‌ی فصل مشترک از انطباق این سه حوزه ناشی می‌شود. مکان قسمتی از فضای طبیعی یا ساخته شده به دست انسان است که دارای محدوده‌ی مشخصی از نظر مفهومی یا مادی می‌باشد و حاصل تعامل مفاهیم قابل دریافت توسط انسان، عوامل رفتاری و ویژگی‌های کالبدی محیط است.	رویکرد نظری مکان کانتر
ترکیب مواد و سطوح مختلف تشکیل دهنده جهان، کشف برخی قابلیت‌های محیطی را نمایان می‌سازد. محیط فیزیکی و کالبدی از مجموعه‌ای از سطوح تشکیل شده و انسان با تغییر در این سطوح ساختمان‌ها را بنا می‌کند و در نتیجه معانی سطوح و یا محیط دست‌ساز را دگرگون می‌کند.	رویکرد نظری قابلیت‌های محیطی

حول موضوع این مقاله تحقیقات گسترده‌ای انجام شده است. عبدالفتاح، ای، کیو<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی تحت عنوان «رابطه میان عناصر فیزیکی و تراکم استفاده از فضاهای عمومی در شهر صنعا» رابطه میان عناصر فیزیکی و فضاهای عمومی را مورد بررسی قرار داده‌اند. در این پژوهش به این نتیجه رسیده‌اند که ویژگی‌های فضاهای عمومی رفتار افراد درون آن‌ها را هدایت می‌کنند و ویژگی‌های عناصر کالبدی یک فضا برای تعیین میزان اشغال آن فضا ضروری است. بعلاوه، محمد فرحان عمران<sup>۳</sup> و احمد هری فؤاد<sup>۴</sup> (۲۰۲۰)، در پژوهشی تحت عنوان «تأثیر ویژگی‌های کالبدی فضاهای عمومی بر تعاملات اجتماعی غربیه‌ها: نمونه موردی فضای

1 James Gibson

2 Abdulfattah.A.Q

3 Muhammad Farhan Amran

4 Achmad Hery Fuad



حمل و نقل جورانگمانگو اندونزی» رابطه میان عناصر کالبدی فضاهای عمومی و تعاملات اجتماعی را بررسی کرده‌اند. در این پژوهش عنوان شده است که یک فضای عمومی را می‌توان به واسطه نشانه‌های اجتماعی آن موفق دانست که یکی از آن‌ها همین وجود تعامل بین غریبه‌هاست. جهت تحریک بیش از حد برای القای تعامل معنادار بین غریبه‌ها لازم است ویژگی‌های کالبدی آن و فرایند طراحی فضاهای عمومی در نظر گرفته شود. همچنین اعتصامیان و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی به «شناسایی و اولویت‌بندی عوامل طراحی مؤثر بر تعاملات اجتماعی شهروندان در میدان‌های عمومی شهر بیرجند» پرداختند. نتایج حاصل از این تحقیق نشان داده است که از دیدگاه استفاده‌کنندگان، وجود مبلمان خیابانی مانند نیمکت، تیر چراغ‌برق، سطل زباله، نرده‌ها، مجسمه‌ها و ... که متناسب با محیط طراحی شده باشند و همچنین نورپردازی‌های خاصی که حس خوشامدگویی را القا کنند، هویت را در محل زیادتر کرده و باعث حضور بیشتر استفاده‌کنندگان از فضا شده است که این خود دلیلی برای بالارفتن تعاملات اجتماعی بوده است.

به عنوان پیشینه تجربی پژوهش نیز می‌توان به پروژه بستان اجتماعی کوچک سانگزانگ چین و پروژه بوستان نهج‌البلاغه تهران اشاره داشت. در پروژه بوستان اجتماعی کوچک سانگزانگ چین، یک مسابقه طرح جامع با مشارکت بین‌المللی برای تأکید مجدد بر اهمیت مدل جدید "شهر هنر" در سال ۲۰۱۸ برگزار شد. در این چارچوب، شرکت مهندسی منظر سانگزانگ شنجین پکن برای بازسازی یک منظر خیابانی خطی در مجاورت پارکینگ نزدیک به میدان فرهنگی شاپو<sup>۱</sup> به یک بوستان اجتماعی در فضای باز سرزنده وارد عمل شد. این بوستان برای سازگاری با محیط سایت، با انتخاب مناسب مصالح و پوشش گیاهی همراه با پیکربندی فضایی، بادقت طراحی و برنامه‌ریزی شده است. جزء اصلی سازه ایجاد شده یک دیوار آجری خاکستری سوراخ‌دار با نشیمنگاه یکپارچه است که با یک لایه از فولاد کورتن ساخته شده است. پشت آن یک منطقه سبز پر از درختان کاج چینی جنوبی و بوته‌های کم‌ارتفاع قرار دارد که یک حائل طبیعی برای پارکینگ ایجاد می‌کند که می‌توان از طریق مسیرهای مخفی مختلف به آن دسترسی داشت<sup>۲</sup>. در رابطه با پروژه بوستان نهج‌البلاغه تهران نیز باید گفت: این بوستان در شمال تهران در دامنه جنوبی ارتفاعات البرز است. عرض این محدوده با محور رودخانه فرحزاد در حدود ۵۰۰ متر تا ۱ کیلومتر است که از سمت غرب به بزرگراه اشرفی اصفهانی می‌رسد و طول این محدوده به ۱۰ کیلومتر می‌رسد که از شمال دره فرحزاد با ۱۸۰۰ متر بلندا آغاز می‌گردد و در نهایت به میدان صادقیه منتهی می‌شود (مشهور، ۱۳۹۱). مهمترین اقداماتی که در این پروژه به چشم می‌خورد، محدود کردن ساخت‌وساز و خرید تعدادی از زمین‌ها برای احیای دره، طراحی مسیرهای شمالی - جنوبی پیاده و دوچرخه به‌عنوان اعضای حرکتی، استقرار فضاهای خدماتی، تفریحی، پذیرایی با تنوع‌های فعالیتی و با هویت مشابه و در نظر گرفتن پیاده‌راه‌ها و دسترسی مطلوب سواره است.

### چارچوب مفهومی تحقیق

در این پژوهش در جهت پاسخ به سؤالات، با تکیه بر رویکردهای نظری اکولوژیک راجر بارکر، قابلیت‌های محیطی گیسون و رویکرد نظری دیوید کانتر در خصوص "مکان"، نقش عناصر کالبدی در تعاملات اجتماعی در محدوده مورد نظر مورد مطالعه قرار گرفته است. طبق این رویکردها تأثیر محیط فیزیکی و عناصر کالبدی محدوده بوستان به‌عنوان یک قرارگاه رفتاری بر افرادی که از آن بهره می‌برند بررسی شده است. همچنین رویکرد احتمال‌گرایی محیطی که بیان می‌دارد؛ اثرگذاری محیط مصنوع و کالبدی بر رفتار، یک اثر احتمالی است و بر اساس خصوصیات محیط، احتمال وقوع رفتاری مشخص در بعضی از محیط‌ها نسبت به بعضی دیگر کمتر یا بیشتر است، به‌عنوان رویکرد پشتیبان دیگر در دستیابی به اهداف پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین عناصر کالبدی فضاهای

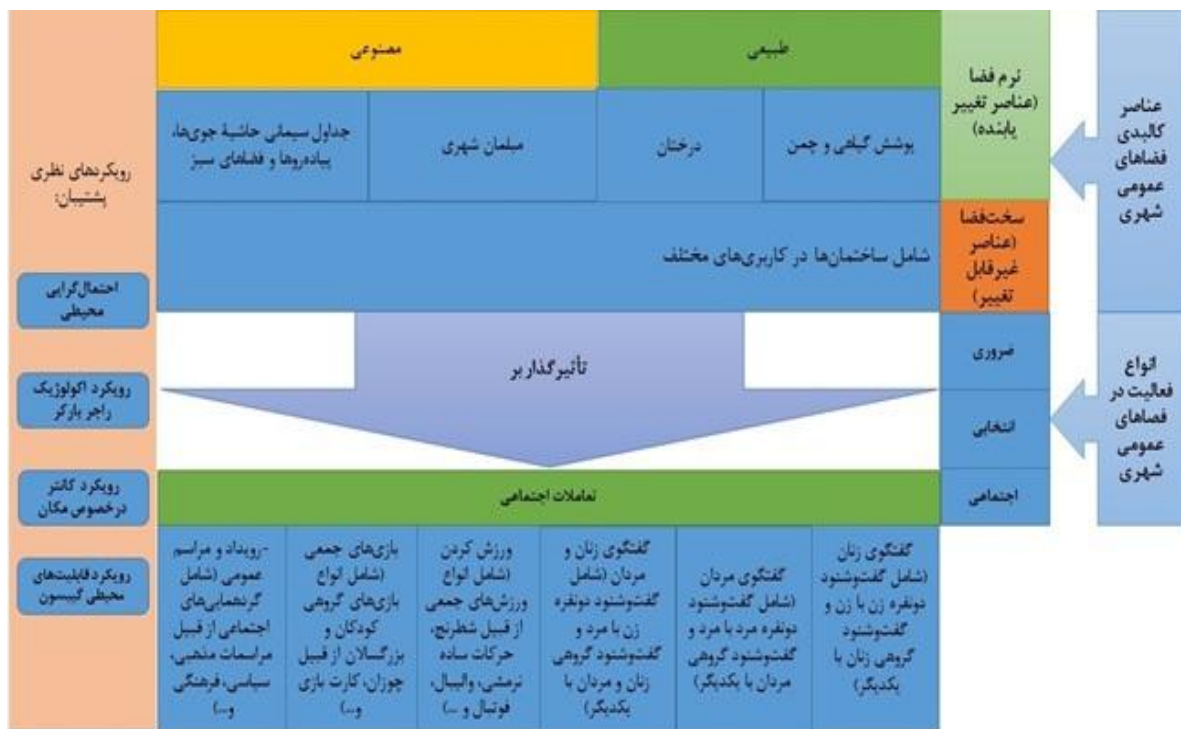
1 Xiaopu

2 <https://www.archdaily.com/967372/songzhuang-micro-community-park-crossboundaries>

تاریخ مراجعه: ۱۴۰۱/۰۷/۲۳

عمومی شهری که بر تعاملات اجتماعی اثرگذار هستند به دو دسته: سخت‌فضا (عناصر غیرقابل تغییر) شامل ساختمان‌ها در کاربری‌های مختلف و نرم‌فضا (عناصر تغییر یابنده) تقسیم شده‌اند.

جهت ارائه‌ی مدل مفهومی پژوهش از رویکردهای نظری اکولوژیک راجر بارکر، دیوید کانتر در خصوص مکان و قابلیت‌های محیطی گیبسون به‌عنوان رویکردهای پشتیبان در بحث نقش عناصر کالبدی در خلق تعاملات اجتماعی در محدوده‌ی بوستان رضوان استفاده شده است. همچنین رویکرد احتمال‌گرایی محیطی که بیان می‌دارد اثرگذاری محیط مصنوع و کالبدی بر رفتار، یک اثر احتمالی است و بر اساس خصوصیات محیط، احتمال وقوع رفتاری مشخص در بعضی از محیط‌ها نسبت به بعضی دیگر کمتر یا بیشتر است، به‌عنوان رویکرد پشتیبان دیگر در دستیابی به اهداف پژوهش می‌باشد. عناصر کالبدی که تأثیر مستقیمی بر تعاملات اجتماعی در فضاهای عمومی شهری دارند در دو دسته‌ی سخت‌فضا و نرم‌فضا اعم از ساختمان‌ها و عناصر طبیعی: پوشش گیاهی و چمن، درختان، و عناصر مصنوعی اعم از مبلمان شهری و جداول سیمانی حاشیه‌ی جوی‌ها، پیاده‌روها و فضاهای سبز تقسیم‌بندی می‌شوند. نکته‌ای که این پژوهش بر اهمیت آن تأکید می‌کند، تأثیرگذاری تمامی این نرم‌فضاها و سخت‌فضاها بر تعاملات اجتماعی در محدوده مورد مطالعه است. بر این اساس، مدل مفهومی پژوهش در قالب شکل (۱) ارائه شده است.



شکل (۱). مدل مفهومی پژوهش

## داده و روش‌ها

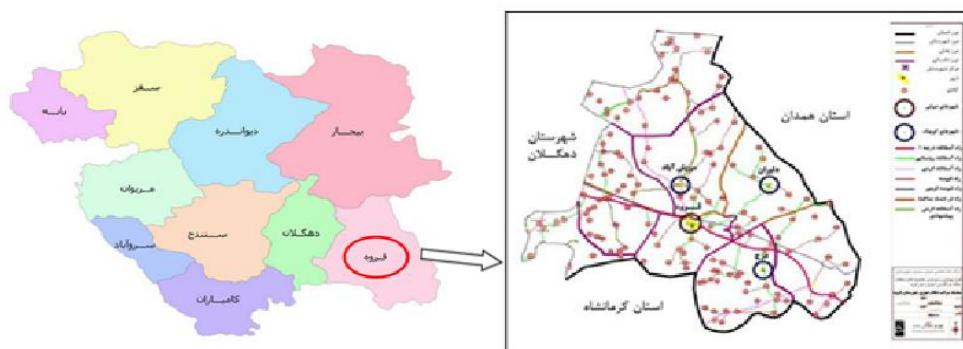
روش پژوهش حاضر کیفی و همچنین از لحاظ نوع آن توصیفی تحلیلی قلمداد شده و از آنجا که پژوهش حاضر در رابطه با یک نمونه موردی خاص مطرح گردیده ماهیتاً در زمره تحقیقات کاربردی جای می‌گیرد. جمعیت مورد مطالعه در این پژوهش شامل تمام جمعیت شهر قروه در طول مدتی که صرف مصاحبه و مشاهده شده است و در محدوده موردنظر حضور داشته‌اند، می‌باشد. همچنین داده‌های موردنظر، عناصر کالبدی این محدوده و تعاملات اجتماعی کاربران این فضاها بوده است. به منظور نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری هدفمند سهمیه‌ای به تفکیک گروه‌های جنسی و سنی استفاده شده است. در این تحقیق پژوهشگر دستورالعمل مصاحبه و پرسشگری را شخصاً به میدان بررسی برده و خود از طریق مصاحبه با افراد اطلاعات لازم را گردآوری نموده است. در یک جمع‌بندی



تکنیک گردآوری داده‌ها عبارت است از: (۱) روش مرور سیستماتیک منابع و استفاده از نقشه: با بهره‌گیری از نقشه طرح‌های مختلف و همچنین با استفاده از روش میدانی تصویربرداری، عناصر کالبدی محدوده مورد مطالعه برداشت شده‌اند. (۲) با استفاده از روش مشاهده طبیعی غیرعلنی، در نقاطی که تعاملات اجتماعی وجود داشته است نقش عناصر کالبدی در تعاملات اجتماعی برداشت شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. این مشاهده‌ها در سه بازه روزانه اول هفته (شنبه، یکشنبه، دوشنبه)، وسط هفته (سه‌شنبه و چهارشنبه) و آخر هفته (پنجشنبه و جمعه) و در سه بازه ساعتی صبح (۹ تا ۱۴)، ظهر (۱۴ تا ۱۸)، شب (۱۸ تا ۲۲) انجام گرفته‌اند. مکان انجام مشاهده‌های محدوده مورد مطالعه می‌باشد که برای دقت بیشتر در امر مشاهده محدوده به شش زیر محدوده A,B,C,D,E,F تقسیم گردیده است. این مشاهده‌ها به صورت انتخاب نقطه‌ای در تعدادی از نقاط زیر محدوده‌ها انجام گرفته است که به صورت بالقوه تعاملات اجتماعی در آن‌ها وجود داشته و نقش هریک از عناصر کالبدی در تعاملات اجتماعی مشاهده و جهت تحلیل برداشت شده‌اند. همچنین برای دریافت پیشنهاد از کاربران از مصاحبه عمیق و باز نامنظم (نیمه‌ساخت‌مند) استفاده شده است. تمامی مکالمات به وسیله کارت مصاحبه و یا در مواردی که مصاحبه‌شونده اجازه داد صدای او به وسیله دستگاه ضبط صدا، ضبط و در نهایت واژه به واژه بر روی کاغذ نوشته و تجزیه و تحلیل شده‌اند. مصاحبه‌ها در میانگین سی دقیقه انجام پذیرفته و تا اینکه به غنای لازم رسیده و تکراری شدن و در اصطلاح، اشباع نظری و اطلاعاتی ادامه یافته است. پس از انجام مصاحبه با ۳۵ نفر پژوهشگر به اشباع نظری رسیده است. در تصویر شماره ۲ و ۳ موقعیت محدوده مورد مطالعه در شهر قروه نشان داده شده است که برای دقت بیشتر در امر مشاهده، محدوده به شش زیر محدوده A,B,C,D,E,F تقسیم گردیده است. جهت تحلیل داده‌هایی که در مشاهده‌ها و مصاحبه‌ها گردآوری شده‌اند از نرم‌افزار Excel و همچنین برای تولید نقشه‌های مورد نیاز از نرم‌افزارهای AutoCAD و Adobe Photoshop استفاده شده است.

### تجزیه و تحلیل داده‌ها

شهر قروه به لحاظ موقعیت جغرافیایی در ۴۷ درجه و ۱۴ دقیقه طول شرقی و ۳۵ درجه و ۲۳ دقیقه عرض شمالی واقع شده و ارتفاع آن از سطح آب‌های آزاد بین ۱۹۰۰ تا ۲۰۰۰ متر می‌باشد. این شهر در دشت وسیعی در ۹۳ کیلومتری شرق سنندج و ۷۲ کیلومتری شمال غربی همدان قرار گرفته است. تعداد جمعیت ساکن شهر قروه در سال ۱۳۹۵ بالغ بر ۷۸۲۷۶ نفر بوده است. تعداد خانوار نیز برابر با ۲۴۱۱۱ بوده است. جمعیت مردان ۳۹۲۹۶ نفر و جمعیت زنان ۳۸۹۸۰ نفر گزارش شده است. تعداد جمعیت این شهر در طول دوره ۵۰ ساله ۹۵-۱۳۴۵ پیوسته در حال افزایش بوده است. شهر قروه یکی از شهرستان‌های مهاجرپذیر استان به‌شمار می‌رود. وجود آب و هوای خنک، موقعیت ترانزیتی، و نزدیکی شهر قروه به مرکز استان و کشورهای همسایه من جمله کشورهای عراق و ترکیه است. مهاجرت از شهرهای اطراف به شهر قروه زمینه تنوع فرهنگی و قومی را در این شهر فراهم نموده است (طرح بهسازی و نوسازی محدوده‌ها و محلات هدف بازآفرینی شهری شهر قروه، ۱۳۹۴). در ادامه محدوده شهر قروه در سطح استان و شهرستان در قالب نقشه نشان داده شده است.



شکل (۲). موقعیت جغرافیایی و سیاسی شهرستان قروه

محققان با توجه به موضوع پژوهش با عنوان نقش عناصر کالبدی در تعاملات اجتماعی در فضاهای عمومی شهری سه عامل مخاطب‌پذیر بودن فضا، ظرفیت استفاده در مقیاس شهری و وجود چند فضای عمومی شهری مختلف را در انتخاب محدوده مورد مطالعه یعنی بوستان رضوان لحاظ کرده‌اند. در شکل (۳)، محدوده بوستان رضوان بر اساس تصاویر ماهواره‌ای نشان داده شده است.



شکل (۳). موقعیت محدوده بوستان رضوان در شهر قروه

به جهت بررسی نقش عناصر کالبدی محدوده دور بیمارستان بر تعاملات اجتماعی با استفاده از تکنیک مشاهده میدانی، پس از تقسیم محدوده مورد مطالعه به شش زیر محدوده: A-B-C-D-E-F در سه بازه روزانه اول، وسط و آخر هفته با حضور مکرر در محدوده در بازه‌های ساعتی صبح (۹-۱۴)، ظهر (۱۵-۱۸) و عصر و شب (۱۸-۲۲) و یادداشت‌برداری در کارت مشاهده، تعداد تعاملات اجتماعی که از تأثیر عناصر کالبدی بر آنها حاصل می‌شد را برداشت و جهت تحلیل آماده گردید. بر اساس چارچوب مفهومی پژوهش، نقش عناصر کالبدی که پنج مورد یعنی سازه‌های کاربردی مانند سرویس بهداشتی و نمازخانه، پوشش گیاهی و چمن، درختان، میلمان شهری و جداول سیمانی حاشیة جوی‌ها و پیاده‌روها می‌باشند در تعاملات اجتماعی که خود شامل شش مورد یعنی گفتگوی زنان با یکدیگر، گفتگوی مردان با یکدیگر، گفتگوی زنان و مردان با یکدیگر، ورزش کردن، بازی‌های جمعی، رویدادها و مراسم‌های عمومی بوده، بررسی شده‌اند. در این بررسی‌ها علاوه بر عامل جنسیت، عامل گروه سنی نیز در نظر گرفته شده و برای هر تعامل نخست گروه سنی کودک، نوجوان و جوان، دوم؛ بزرگسالان و سوم؛ سالمندان نیز مورد نظر قرار گرفته است. بر این اساس با ۳۵ تن از افراد مختلف در گروه‌های سنی ذکر شده و همچنین از هر دو جنس زن و مرد مصاحبه‌های ساختاریافته انجام شد و پاسخ‌های دریافت شده از پرسش‌شوندگان به جهت تحلیل میزان تأثیرگذاری عناصر کالبدی بر تعاملات اجتماعی در ۵ بازه خیلی کم (۰ تا ۲)، کم (بیشتر از ۲ تا ۴)، متوسط (بیشتر از ۴ تا ۶)، زیاد (بیشتر از ۶ تا ۸) و خیلی زیاد (بیشتر از ۸ تا ۱۰) استفاده تقسیم‌بندی شد. در پاسخ به این پرسش که آیا عناصر کالبدی بر شکل‌گیری تعاملات اجتماعی در محدوده بوستان رضوان قروه اثرگذار است یا خیر؟ ۳۰ نفر (۸۶ درصد) پاسخ مثبت و ۵ نفر (۱۴ درصد) پاسخ منفی دادند. بدیهی است که ادامه مصاحبه با ۵ نفری که نظر مخالف داشتند امکان‌پذیر نبوده و مصاحبه آن‌ها در همان ابتدا متوقف شد. بنابراین در بررسی و تحلیل‌های بعدی، مصاحبه ۳۰ نفر موافق در نظر گرفته شد. به منظور بررسی میزان تأثیرگذاری هر یک از عناصر پنجگانه کالبدی بر تعاملات اجتماعی پاسخ‌های ارائه شده از سوی مصاحبه‌شوندگان از ۰ تا ۱۰ ارزشگذاری شده است بدین معنی

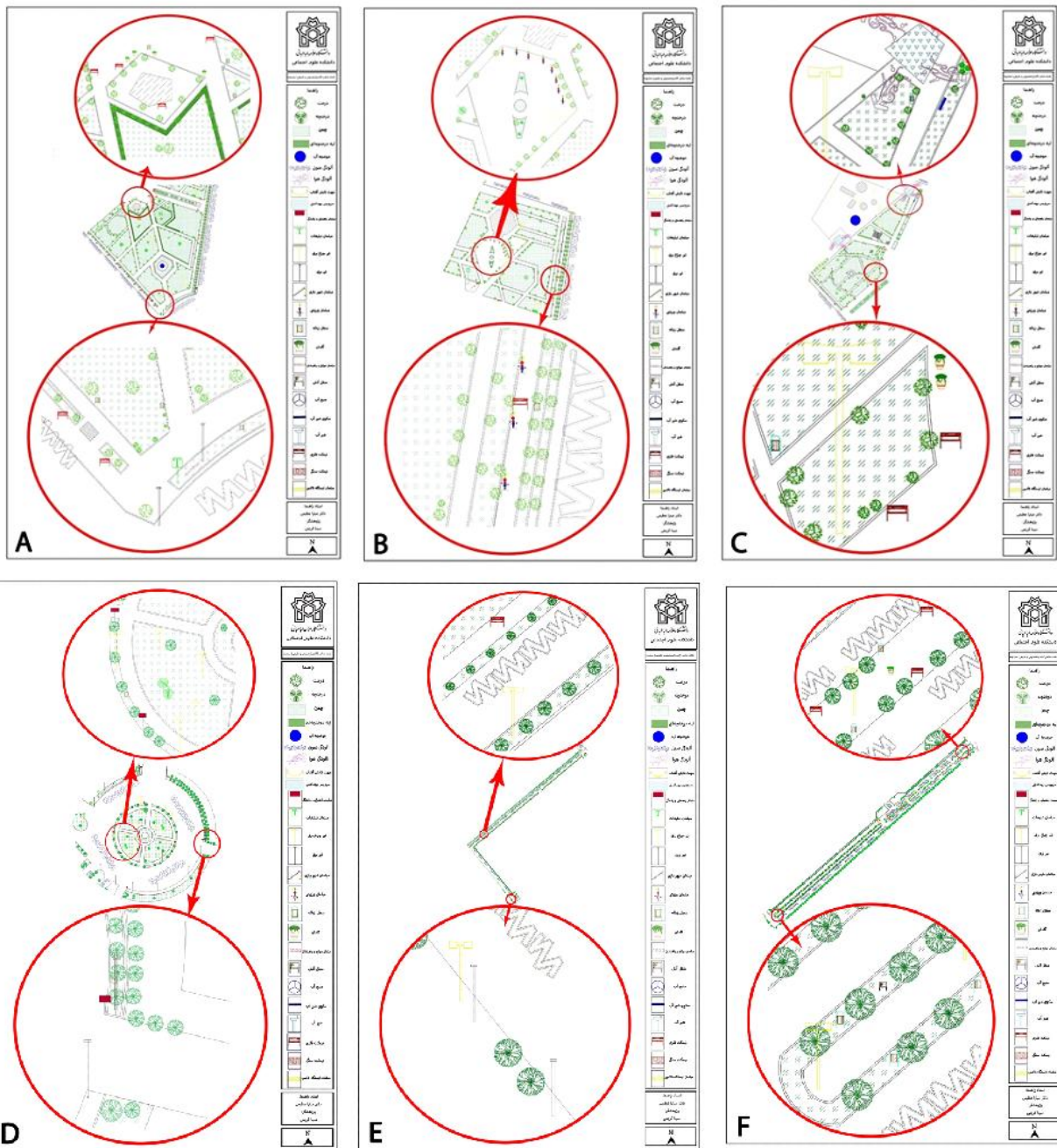
که هر چه به سمت عدد ۱۰ نزدیک شویم میزان این اثرگذاری بیشتر بوده است. در جدول ۲ میزان تأثیر هر یک از عوامل کالبدی بر شکل‌گیری تعاملات اجتماعی گروه‌های مورد بررسی نشان داده شده است.

جدول (۲). میزان تأثیر عناصر کالبدی در شکل‌گیری تعاملات اجتماعی در گروه‌های مورد بررسی

عناصر کالبدی					شرح	
جدول سیمانی حاشیة جویها	مبلمان شهری	درختان	پوشش گیاهی و چمن	سازه‌های کاربردی	انواع تعاملات اجتماعی گروه‌ها در محدوده	جنسیت
۳.۸	۷.۹	۶.۵	۴.۳	۴.۹	کودکان، نوجوانان و جوانان	زنان
۳.۲	۷.۵	۷	۳.۹	۴	بزرگسالان	
۱.۳	۵.۵	۴.۵	۲.۴	۱.۸	سالمنندان	
۵.۶	۷.۴	۶.۴	۴.۹	۵.۵	کودکان، نوجوانان و جوانان	مردان
۴.۴	۷.۱	۶.۲	۴.۴	۳.۷	بزرگسالان	
۱.۷	۵	۴.۳	۲.۵	۲	سالمنندان	

بر طبق جدول بالا، نقش عناصر کالبدی در تعامل اجتماعی گفتگوی زنان با یکدیگر چه به‌صورت دونفره چه به‌صورت گروهی نشان‌دهنده نقش مهم و کلیدی مبلمان شهری در شکل‌گیری این نوع تعاملات است. درختان به‌عنوان عامل بعدی، جدی‌ترین اثر را بر ایجاد آن داشته‌اند. مبلمان شهری و درختان در رتبه‌های اول و دوم، ساختمان‌ها و پوشش گیاهی و چمن در رتبه‌های بعدی و جداول سیمانی حاشیة جویها در رتبه‌ی آخر تأثیرگذاری بر ایجاد تعاملات داشته‌اند. مجاورت درختان با مبلمان شهری، علی‌الخصوص نیمکت‌ها سبب شده است این دو عامل در یک راستا، تأثیر قابل‌توجهی در ایجاد این نوع تعاملات در محدوده داشته باشند. در این بخش جداول سیمانی حاشیة جویها در مقایسه با بقیه عناصر کم‌ترین تأثیر را بر شکل‌گیری تعامل داشته‌اند که می‌توان با برنامه‌ریزی کالبدی مناسب تأثیر این عامل را نیز افزایش داد. در رابطه با نقش عناصر کالبدی در تعامل اجتماعی گفتگوی مردان با یکدیگر چه به‌صورت دونفره چه به‌صورت گروهی خروجی‌ها گویای آن است، میزان تأثیر مبلمان شهری و درختان در رتبه‌های اول و دوم و تأثیر جداول سیمانی حاشیة جویها و فضاهای سبز و همچنین پوشش گیاهی به‌صورت مشترک در رتبه‌ی سوم و سازه‌های کاربردی در رتبه‌ی چهارم است. آنچه حاصل مشاهده‌های پژوهشگر بوده نشانگر آن است که جداول سیمانی حاشیة جویها نیز نقش مهم‌تری داشته و به‌عنوان عاملی قابل‌توجه در ارتباطات اجتماعی می‌باشند. این حاشیه‌ها به دلیل در دسترس بودن و نزدیکی به فضای سبز جاذب مردان است اما باید توجه داشت که کمبود مبلمان شهری مناسب نیز می‌تواند عاملی برای انتخاب این عنصر کالبدی برای انجام تعاملات اجتماعی باشد. در ادامه محققان به کمک روش میدانی و با حضور در محدوده مورد مطالعه از طریق عکس‌برداری عناصر مصنوعی و طبیعی را برداشت و در نرم‌افزار اتوکلد و فوتوشاپ پیاده نموده‌اند. با استفاده از این نقشه‌ها عناصر طبیعی و مصنوعی بوستان در شش محدوده A، B، C، D، E و F تفکیک شده تا بر اساس نتایج بدست آمده از مصاحبه‌ها، پیشنهادهای کاربردی جهت جایابی بهینه عناصر کالبدی در بوستان رضوان با هدف ارتقای سطح تعاملات اجتماعی ارائه شود.





شکل (۴). عناصر طبیعی و مصنوعی بوستان در شش محدوده A، B، C، D، E و F

### نتیجه‌گیری

فضاهای عمومی شهری نقش تعیین‌کننده‌ای در سطح تعاملات اجتماعی در شهرها دارند که پیامدهای آن در سلامت روان ساکنین دیده می‌شود. بی‌توجهی به مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تعاملات اجتماعی به سست شدن روابط شهروندی منجر می‌گردد. مردم زمانی رشد می‌کنند که بخشی از زندگی روزمره خود را در فضاهای عمومی بگذرانند و با فرایندهای ناشناخته اجتماعی روبرو شوند. این امر سبب همبستگی و پیوند بیشتر مردم در آن فضا نیز می‌گردد. لذا این فضاها، زمینه مساعدی را برای برقراری تعاملات اجتماعی و افزایش روحیه اجتماعی فراهم ساخته و سبب ارتقای سلامت روان ساکنین می‌شوند. صاحب‌نظران پس از مطالعات بسیاری دریافته‌اند که فرم و کالبد شهرها به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین شاخصه‌ها در زمینه سطح تعاملات اجتماعی است که اهمیت پژوهش در این زمینه را نشان می‌دهد. این عناصر فیزیکی و کالبدی می‌توانند به عنوان بخشی از فضاهای عمومی شهری، ضرورت تأمین نیاز به تعاملات اجتماعی را

به جا آورده و تشویق‌کننده‌ای برای آغاز یک تعامل اجتماعی سازنده باشند. با طرح این ضرورت، هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی نقش عناصر کالبدی در تعاملات اجتماعی در فضاهای عمومی شهری در محدوده بوستان رضوان در شهر قروه بود. شهر قروه که شهری غنی با بافت جمعیتی چند قومیتی و چندمذهبی، شهری دارای پتانسیل‌های بالای اجتماعی برای کیفیت زندگی سالم است که نیازمند تقویت عرصه‌های جمعی و فضاهای عمومی به‌عنوان عاملی مهم در افزایش تعاملات اجتماعی است. محدوده مورد مطالعه بوستان رضوان است که در حال حاضر بسیار مخاطب‌پذیر می‌باشد.

بر طبق مطالعات نظری پژوهش، مؤلفه‌های کالبدی، عملکردی، محیطی، فضایی و مفهومی، اثرگذاری مستقیمی بر تعاملات اجتماعی دارند. اما در این تحقیق، به طور ویژه بررسی نقش عناصر کالبدی در تعاملات اجتماعی در فضاهای عمومی شهری مدنظر قرار گرفت. هفت رویکرد نظری در رابطه با نحوه تعامل و ارتباط بین محیط کالبدی و رفتار ارائه شدند که شامل جبری‌گرایی محیطی، اختیارگرایی محیطی، امکان‌گرایی محیطی، احتمال‌گرایی محیطی، رویکرد نظری اکولوژیک راجر بارکر، رویکرد نظری کانتر در خصوص مکان و رویکرد نظری قابلیت‌های محیطی گیسون می‌شوند. هریک از این رویکردها به بحث گذاشته شده و مهم‌ترین شاخص‌های آن‌ها بررسی شدند. در پایان در بخش چارچوب مفهومی با تکیه بر رویکردهای نظری اکولوژیک راجر بارکر، دیوید کانتر در خصوص مکان و قابلیت‌های محیطی گیسون بر نقش عناصر کالبدی در خلق تعاملات اجتماعی، به تأثیر محیط فیزیکی و عناصر کالبدی محدوده مورد مطالعه پرداخته شد. همچنین رویکرد احتمال‌گرایی محیطی که بیان می‌دارد؛ اثرگذاری محیط مصنوع و کالبدی بر رفتار، یک اثر احتمالی است و بر اساس خصوصیات محیط، احتمال وقوع رفتاری مشخص در بعضی از محیط‌ها نسبت به بعضی دیگر کمتر یا بیشتر است، به‌عنوان رویکرد پشتیبان دیگر در دستیابی به اهداف پژوهش بود. در مدل مفهومی تحقیق، عناصر کالبدی در دو دسته سخت‌فضا (ساختمان‌ها در کاربری‌های مختلف) و نرم‌فضا اعم از عناصر طبیعی (پوشش گیاهی و چمن، درختان) و عناصر مصنوعی (مبلمان شهری، جداول سیمانی حاشیه‌ی جوی‌ها، پیاده‌روها و فضاهای سبز) تقسیم‌بندی شده و تعاملات اجتماعی که متأثر از این عناصر می‌باشند در شش دسته‌ی گفتگوی زنان، گفتگوی مردان، گفتگو زنان و مردان با یکدیگر، ورزش کردن، بازی‌های جمعی، رویداد و مراسم عمومی قرار گرفتند. در بخش پیشینه تجربی پژوهش تجربه‌ی خارجی بوستان اجتماعی کوچک سانگزوانک چین و در بخش تجربه‌ی داخلی بوستان نهج‌البلاغه شهر تهران مورد بررسی قرار گرفت. از تجارب داخلی و خارجی بحث شده ایده‌هایی موفق و قابل‌اجرایی استخراج شد و از آن‌ها به‌عنوان الگویی در پیشنهادات ارائه شده استفاده گردید. برای نمونه از پروژه بوستان نهج‌البلاغه و بوستان اجتماعی سانگزوانگ اهمیت حضور آب دیده شد که عاملی محرک برای حضورپذیری و فعالیت‌های اجتماعی هستند. همچنین می‌توان به مبلمان و صندلی‌های بوستان اجتماعی سانگزوانگ اشاره کرد که به شیوه‌ی درون‌گرایانه طراحی شده و ایده‌ی مناسبی برای برنامه‌ریزی کالبدی در زمینه مبلمان شهری بودند.

پس از شناخت کلی شهر قروه و بررسی عملکرد پهنه‌های بلافصل محدوده، نقشه‌ی دسترسی‌های منتهی به محدوده تهیه شدند. در ادامه با حضور مستمر در محدوده مورد مطالعه و انجام مشاهده‌های مداوم، یادداشت‌برداری و جمع‌آوری داده‌های لازم، تحلیلی دقیق از نقش عناصر کالبدی در تعاملات اجتماعی به دست آمد. بعلاوه، با انجام مصاحبه‌هایی ساختارمند با کاربران بوستان رضوان، داده‌هایی ارزشمند از نقش عناصر کالبدی در تعاملات اجتماعی را جمع‌آوری گردید. بر طبق مجموعه بررسی‌های انجام شده، در یک قیاس کلی میان عناصر کالبدی به ترتیب (۱) مبلمان شهری، (۲) درختان، (۳) پوشش گیاهی و چمن، (۴) ساختمان‌ها و (۵) جداول سیمانی حاشیه جوی‌ها، پیاده‌روها و فضاهای سبز در شکل‌گیری تعاملات اجتماعی نقش داشته‌اند. به‌عبارتی دیگر از بین عناصر کالبدی، مبلمان شهری بیشترین نقش و جداول سیمانی کمترین نقش را در اثرگذاری بر تعاملات اجتماعی محدوده ایفا می‌نمایند. آن‌چه پژوهشگران در طول این پژوهش و در کنار آن دست یافته‌اند نشان می‌دهد به‌وسیله‌ی برنامه‌ریزی و طراحی کالبدی مناسب می‌توان میل به بی‌اعتنایی و گذار سریع مردم در فضاهای عمومی شهری از کنار یکدیگر را کاهش داد و تسهیل‌گری برای برقراری تعاملات اجتماعی افزایش یابد. در

مصاحبه‌هایی که با کاربران این محدوده وجود داشت نیز به نقش پر اهمیت عناصر کالبدی تأکید شد و نشان داد استفاده‌کنندگان نیز نگاهی ویژه به این موضوع دارند. مبلمان شهری در انواع مختلف اعم از مبلمان عمومی (صندلی و نیمکت)، مبلمان اطلاع‌رسانی (تلویزیون شهری، تابلوهای اطلاع‌رسانی)، مبلمان تزئینی (گلدان و گل‌جای)، مبلمان روشنایی (چراغ‌های خیابان، چراغ‌های تزئینی، نورافکن‌ها، چراغ‌های پارکی و کوتاه)، مبلمان تخلیه و جمع‌آوری (سطل‌های زباله)، مبلمان تغذیه و توزیع (آبخوری‌ها، روشویی‌ها) و مبلمان ورزشی و بازی، مهم‌ترین نقش را در گردهم آوردن و تسهیل‌گری برای شروع و ایجاد یک تعامل اجتماعی ایفا می‌کنند. آن‌چه از پوشش گیاهی در محدوده دیده شد صرفاً چمن‌کاری در فضاهای سبز پارک و میدان بود که محافظت و نگهداری خوبی از آن‌ها صورت می‌گیرد اما نقش پر اهمیت گل‌ها در این زمینه نادیده گرفته شده است. گل‌ها علاوه بر زیبایی‌های بصری می‌توانند بوی خوشی در فضاهای عمومی شهری ایجاد کنند که خود عاملی برای ترغیب شهروندان به حضورپذیری و تعامل اجتماعی است. می‌توان گفت در یک شرایط ایده‌آل، عنصر سخت‌فضای ساختمان‌ها در کاربری‌های مختلف، پس از مبلمان شهری اصلی‌ترین نقش را در تعاملات اجتماعی دارد. این ساختمان‌ها با توجه به نقش فعالیتی که به خود می‌گیرند هر کدام به گونه‌ای و در قالب موضوع مشخصی شهروندان را فرا می‌خوانند و سبب ایجاد تعامل اجتماعی بین آن‌ها می‌شوند. اما ساختمان‌های محدوده مورد مطالعه به حال خود رها شده‌اند و هیچ برنامه‌ای برای استفاده درست از آن‌ها وجود ندارد. به عنوان نمونه نمازخانه‌ای که در بوستان رضوان وجود دارد به خرابه‌ای تبدیل شده است که هیچ استفادای از آن نمی‌شود. می‌توان با نوسازی و بهسازی ساختمان‌های موجود در محدوده جان تازه‌ای به روح و کالبد این فضاها بخشید و سرزندگی را در آن‌ها ایجاد کرد. همچنین با توجه به پتانسیل‌های فراوان محدوده می‌توان با برنامه‌ای مناسب اقدام به ایجاد ساختمان‌های جدیدی در راستای افزایش تعاملات اجتماعی در محدوده کرد. جداول سیمانی حاشیه جوی‌ها، پیاده‌روها و فضاهای سبز مورد غفلت واقع شده‌اند. می‌توان با مناسب‌سازی این جداول از حیث ارتفاع، جنس و رنگ افراد بیشتری را به استفاده از بوستان ترغیب کرد. در حین مشاهده‌های پژوهشگران، کاربران در گروه‌های سنی و جنسی مختلف بارها از این جداول استفاده کرده و حتی نقش مهمی در برخی بازهای جمعی نیز داشته‌اند. در انتها بر اساس تجزیه و تحلیل داده‌ها، تحلیل نقشه‌های استخراج شده و مصاحبه‌های ساختاریافته‌ای که با کاربران صورت پذیرفته است، راهکارهایی مؤثر برای تقویت عناصر کالبدی در افزایش تعاملات اجتماعی در محدوده بوستان رضوان به تفکیک شش محدوده تعیین شده پیشنهاد می‌شود.

- در زیر محدوده A: احداث پلاتو روباز برای برگزاری اجراهای هنری و گردهمایی‌های اجتماعی
- در زیر محدوده B: ایجاد کافی‌شاپ و رستوران و پیست اسکیت
- در زیر محدوده C: تجهیز شهربازی و نوسازی ساختمان نمازخانه
- در زیر محدوده D: احداث مکانی مناسب برای ورزش‌های کششی و رقص‌های محلی
- در زیر محدوده E: احداث ایستگاه دوچرخه‌سواری
- در زیر محدوده F: طراحی و جانمایی نیمکت‌های مقعر شکل و جانمایی مناسب مبلمان تزئینی (گلدان‌ها) و مبلمان تخلیه و جمع‌آوری (سطل‌های زباله)، مناسب‌سازی ارتفاع جداول سیمانی برای نشست‌ن سالمندان، ایجاد مبلمان شهری مناسب برای بازی‌های دونفره و چندنفره همچون چوزان و شطرنج

## منابع

- اعتصامیان، پریسا، پژوهان فر، مهدیه، نورتقانی، عبدالمجید (۱۳۹۸). شناسایی و اولویت‌بندی عوامل طراحی مؤثر بر تعاملات اجتماعی شهروندان در میدان‌های عمومی شهر بیرجند، *مجله آمایش جغرافیایی فضا*. ۹(۳۴)، ۳۴، ۱۱۷-۱۳۲.
- امامقلی، عقیل و آیبوزیان، سیمون و زاده محمدی، علی و اسلامی، غلامرضا (۱۳۹۱). روانشناسی محیطی: عرصه مشترک معماری و علوم رفتاری. *نشریه پژوهش‌ها و مطالعات علوم رفتاری*. ۴(۱۴)، ۴۴-۲۳.



- پورمحمدی، محمدرضا، محمودزاده، حسن، پایدار، مجید (۱۴۰۱). سنجش میزان زیست پذیری شهری با تأکید بر رویکرد پیاده مداری (منطقه ۲ کلانشهر تبریز). *نشریه فضای شهری و حیات اجتماعی دانشگاه تبریز*. ۱(۲)، ۵۱-۶۷.
- دانشگر مقدم، گلرخ، اسلامپور، مرمر (۱۳۹۰). تحلیل نظریه قابلیت‌های محیط از دیدگاه گیبسون و بازخورد آن در مطالعات انسان و محیط انسان ساخت. *نشریه معماری و شهرسازی آرمان شهر*. ۵(۹)، ۷۳-۸۶.
- رحیمی، لیلا، زالی، سمانه (۱۴۰۲). شناخت و بررسی شاخص‌های کمی و کیفی موثر در برنامه‌ریزی فضای سبز شهری. *نشریه فضای شهری و حیات اجتماعی دانشگاه تبریز*. ۲(۵)، ۱۹-۳۲.
- رفیعیان، مجتبی و خدایی زهرا (۱۳۸۸). بررسی شاخص‌ها و معیارهای مؤثر بر رضایتمندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری. *فصلنامه راهبرد*. ۱۷(۵۳).
- شجاعی، دلارام و پرتوی، پروین (۱۳۹۳). عوامل موثر بر ایجاد و ارتقا اجتماع‌پذیری در فضاهای عمومی با مقیاس‌های مختلف شهر تهران: نمونه موردی فضاهای عمومی دو محله و یک ناحیه در منطقه ۷ تهران. *نشریه علمی باغ نظر*. ۱۲(۳۴)، ۱۰۸-۹۳.
- کاشانی جو، خشایار (۱۳۸۹). بازشناخت رویکردهای نظری به فضاهای عمومی شهری. *نشریه هویت شهر*. ۴(۶)، ۱۰۶-۹۵.
- رمضانپور کاریزکی، مهسا، سرایی، محمدحسین، استقلال، احمد، المدرسی، سید علی، حاتمی نسب، سید حسن (۱۴۰۲). تبیین شاخص‌های کالبدی فضایی شهر هوشمند (نمونه موردی: شهر تربت حیدریه). *نشریه فضای شهری و حیات اجتماعی دانشگاه تبریز*. ۲(۴)، ۷۳-۹۲.
- گل، یان (۱۳۹۷). زندگی در فضای میان ساختمان‌ها. سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی. ترجمه شیما شصتی. چاپ دوم. تهران.
- گیدنز، آنتونی و بردسال، کارن (۱۳۹۴). جامعه‌شناسی. نشر نی. ترجمه حسن چاوشیان. ویراست چهارم. تهران.
- لطیفی، غلامرضا و خانی، حسین و خاکساری رفسنجانی، علی (۱۳۹۴). فضای شهری، حیات اجتماعی (بستری در تحقق تعاملات اجتماعی). *انتشارات نگارستان اندیشه*. ویراست نخست. تهران.
- محمدی، محمود و عظیمی، مریم و مقدم، حامد و رفیعیان، مجتبی (۱۳۹۱). فضاهای عمومی شهری، تحقق تعاملات اجتماعی در بافت‌های تاریخی نمونه موردی شهر قدیم لار. *نشریه مرمت آثار و بافت‌های تاریخی فرهنگی*. ۲(۴)، ۲۸-۱۵.
- مشهور، زینب (۱۳۹۱). مرکز تعاملات شهری با تکیه بر نقش کالبد در تقویت روابط اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد معماری اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
- نقره کار، عبدالحمید، مظفر، فرهنگ و نقره کار، سلمان (۱۳۸۹). مدل‌سازی؛ روشی مفید برای پژوهش‌های میان رشته‌ای. *نشریه علمی - پژوهشی انجمن معماری و شهرسازی ایران*. ۱(۱)، ۱۲۹-۱۳۸.
- نواداد، لیلا (۱۳۹۳). تعاملات اجتماعی در فضاهای شهری، کانون ملی معماری ایران. *کنگره بین‌المللی پایداری در معماری و شهرسازی*، شهر مصدر دویی.
- وزارت راه و شهرسازی (۱۳۹۴). *شرکت بازآفرینی شهری ایران*، طرح بهسازی و نوسازی محدوده‌ها و محلات هدف بازآفرینی شهری شهر قروه.
- Abdulfattah, AAQ, Li W, Al-Fanini SM et al(2020). Relationship between physical elements and density of use of public spaces in Sana'a City. Proceedings of the Institution of Civil Engineers. *Urban Design and Planning*.
- Carmona, M. (2021). Public places urban spaces: The dimensions of urban design. Routledge.
- Centelles, L., Assaiante, C., Etchegoyhen, K., Bouvard, M., & Schmitz, C. (2012). From action to interaction: exploring the contribution of body motion cues to social understanding in typical development and in autism spectrum disorders. *Journal of Autism and Developmental Disorders*, 43(5), 1140-50.
- Gehl, J. (2003). Winning back public space. *Sustainable transport*, 106.
- Hajer, M, Reijndorp. A. (2001). In Search of New Public Domain. Rotterdam : NAI Publishers.
- Jacobs, J. (1965). The Death and Life of Great American Cities. Harmondsworth: Penguin.
- Kaplan, H. (1998). Redefining accessibility and space use in city centers as it regards responsive urban design.
- Kaczynski A.T. & Henderson K.A., (2007). Environmental Correlates of Physical activity: A Review of Evidence about Parks and Recreation. *Leisure Sciences*, Vol. 29, No. 4, pp. 315-354.
- Lang, J. (1994). Urban design: the American experience. John Wiley & Sons.
- Lennard, S. H. C. L. & H. L. (1993). Urban Space Design and Social Life, Companion to Contemporary Architectural Thought, London & New York, Routledge, pp. 39-43.

- Lawson, B. (2001). The language of space. Oxford: Architectural press.
- Lynch, K. (1972). The Image of the City. Cambridge, Ma: The MIT Press.
- Muhammad, F. A, Achmad, H.F (2020). The effect of public spaces' physical features on interaction between strangers. Case study: Jurangmangu transit space. AIP Conference Proceedings.
- Mitchell, D (1996). Introduction: Public space and the city. Urban Geography, 17(2).
- Rapoport, A. (1986). 10. The Use and Design of Open Spaces in Urban Neighborhoods. The Quality of urban life. Social, Psychological, and Physical Conditions, 159.
- Toraby, Sima, Y. (2014) "Urban Entrance Design with the approach of Giving Identity to urban space (Case Study: East Entrance of Zanjan city), A Quarterly Journal of urban Management, Vol.13, No.36, Pp.83-104.
- Truss, i. (2005). Talk to the hand: The utter bloody rudeness of everyday life, or, six good reasons to stay at home and blot the door. London: Profile books.
- Whyte, H. (2012). "Introduction," "The Life of Plazas," "Sitting Space," and "Sun, Wind, Trees, and Water". Routledge. 2nd Edition.